

جناب آقا محمد رحیم الّذی هاجر و فاز

هو الشّاهد العلیم

امروز مظلوم از شطر سجن اعظم اهل عالم را ندا مینماید و ببحر اعظم دعوت میکند امرش اظهر از آفتاب و بیانش بمثابه انوار هیچ منصفی این فضل اکبر را انکار ننماید و هیچ عادلی این عطیّه کبری را نفی نکند امروز روز اقرار و اعتراف است چه که حقّ جلّ جلاله بر عرش عرفان مستوی و بما ینبغی ناطق و متکلمّ این است آن ظهوری که در کتب قبل و بعد مذکور و از قلم الهی مسطور اولیا را تکبیر برسان و بعنایت حقّ جلّ جلاله بشارت ده قسم بامواج بحر بیان رحمن کل نزد مظلوم مذکورند و بعنایت فائز از حقّ میطلبیم جمیع را بر استقامت کبری مؤید نماید و از مائده ابدیه و نعمت باقیه عباد خود را محروم نسازد اهل باء و دال را از قبل مظلوم تکبیر برسان بگو ای دوستان بحبل حکمت تمسک نمائید و باندازه تکلمّ کنید یک کلمه بمثابه نار میسوزاند و یک کلمه بمثابه نور روشن و منیر میفرماید برفق و مدارا تشبث نمائید حقّ رحیم است و رحمتش سبقت گرفته و حقّ کریم است و کرمش احاطه نموده بعضی ضعیفند باید بدریاق ذکر و بیان علاج نمائید و قوّت بخشید اعتدال در جمیع مراتب لازم چه اگر قوّت تجاوز نماید بضعف تبدیل گردد ای دوستان قلم اعلی شما را نصیحت میفرماید و امر مینماید بآنچه که سبب اعلاء کلمه و ارتفاع نفوس است در جمیع احوال باعتدال تمسک نمائید و در امور بانصاف تکلمّ کنید اعدا بنار جهل مشتعلند باید بردباری تشبث جست که شاید بیفوسد و ساکن شود نسأل الله تعالی ان یؤیدکم علی ما یحبّ و یرضی و یوفّقکم علی ما امرتم به فی الکتاب

یا رحیم اگر بارض خضرا رسیدی قل این اشجارک و اثمارک و این اسرارک و اورادک یا خضرآء این برک لا تحزنی عمّا ورد علیک سوف یظهر الله منک ما قدر لک انه هو المقتدر القدر اولیای آن ارض را تکبیر میرسانیم و از حقّ میطلبیم ایشان را مؤید فرماید بر آنچه سزاوار است شاید از رحیق مختوم عباد را باسم قیوم حیات بخشند و زندگی عطا کنند اهل دیار را از قبل مظلوم ذکر نما بگو حمد کنید مقصود عالم را که شما را مؤید فرمود و بایامش فائز نمود قدر این مقام را بدانید لله الحمد از کلمه علیا بتجلیات انوار نیر توحید فائز گشتید و علمای ارض از کلمه فرار اختیار نمودند و از صراط الهی لغزیدند حزب الله را در ارض میم و شین تکبیر برسان شاید از نفحات بیان مقصود عالمیان مؤید شوند بر عملی که ذکرش بدوام ملک و ملکوت در کتاب الله باقی و پاینده ماند حکمت مقتضی ستر اسماء بوده و هست هذا ما نطق به فاطر السّماء اذ استوی علی عرش اسمه السّتار الحکیم یا اولیائی عنقریب آنچه مشهود مفقود بتدارک مشغول شوید و مستعدّ گردید از برای صعود انه یؤیدکم و یأمرکم بما یقرّبکم و یرفعکم انه هو الفضّال الکریم

یا اولیائی فی العین و الشّین مکرّر باتار قلم اعلی فائز شدید و بانوار بیان مقصود عالمیان مزین قدر این مقام را بدانید و بخدمت امر تمسک جوئید امروز فرات رحمت جاری و بحر فضل ظاهر

یا ناظر علیک بهائی لازال تحت لحاظ عنایت بوده و هستی از حقّ میطلبیم ترا تأیید فرماید بر خدمتی که ذکرش غافلین را متذکّر نماید لیس هذا علی الله بعزیز جناب علی قبل اکبر مذکور بوده و هستند لله الحمد موفّقند بر ذکر و ثنای مظلوم آفاق لازال در سجن اعظم لسان ناطق قلم متحرک وجه متوجه لیظهر من العباد ما یجعله الله کنزاً لهم عنده انه هو الغفور الرّحیم البهّاء من لدنا علیک و علی من سمع خریر کوثر بیانی و اقبل و اخذ و شرب باسم الله المهیمن علی من فی السّموات و الارضین

---

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](#) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۸ فوریه ۲۰۲۳، ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر